ماه هزارتکه
پروین مقدم
۳۴

آبادان در محاصره

سروان گفت:

«مهمات نمی‌دن، کاش لااقل آتیش می‌ریختن، عراقی‌ها خط رو دارن بدجوری می‌زنن!»

فرمانده رو گرداند سمت سروان، چشم‌هایش سرخ سرخ بود.

- می‌گن فرمانده لشکر نیست، معاونش نشسته پشت بی‌سیم، اونم می‌گه یا باید از بالا دستور بیاد یا فرمانده لشکر برسه!

سروان لبش را گزید:

«حالا این بالاشون چقدر بالاس؟»

بی‌سیم دوباره خرخر کرد، بی‌سیم چی گوشی را گرفت طرف فرمانده، سرباز دوشکا را بغل زد و دولادولا از سنگر بیرون زد.

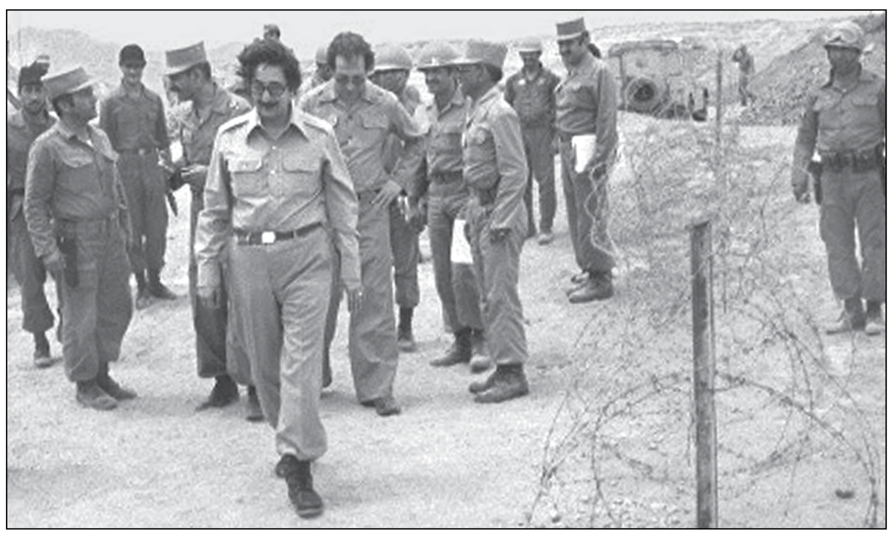

صدای عصبانی فرمانده را پشت سرش شنید:

«دیگه چی کار کنیم؟ می‌خواین خودمون رو گلوله کنیم بذاریم توی خمپاره‌ها و سمت عراقی‌ها شلیک کنیم.»

موج انفجار پرده سنگر را کند، فرمانده بیرون دوید به سمت خاکریز، پشت سرش بی‌سیم چی آمد، سرباز خودش را کشید پشت خاکریز، خاکریز افتاده بود وسط آتش. تیربارچی‌ها خوابیده بودند روی شیب خاکریز، خاکریز جابه جا پر بود از تک تیرانداز.

سروان نفس زنان سر رسید.

- قربان تانکای عراقی دارن می‌یان، دستور چیه؟

فرمانده نگاهش افتاد به سربازها، سربازها بی‌هدف به دشت شلیک می‌کردند.

خوب می‌دانست با این مهمات اندک با اولین پاتک دشمن، خط می‌شکند.

فرمانده گفت:

«بذارین خوب نزدیک بشن.»

از دور صدای شنی تانک‌ها آمد، دوشکاچی سرش را بلند کرد و نگاهش افتاد به دشت.

- یا امام غریب، اگه برسن به آبادان...

روی خاکریز آتش می‌بارید، سربازها خپ کرده بودند روی شیب.

چند خمپاره افتاد پشت خاکریز. خمپاره‌ها منفجر شدند و ترکش‌ها ریخت این طرف و آن طرف. چند نفر روی شیب غلتیدند به سمت پایین، یک نفر ضجه زد:

«امدادگر!»

ترکش از پشت بی‌سیم چی گذشت، بی‌سیم چی به صورت افتاد روی خاک و تنش رعشه گرفت. چند آرپی‌جی زن دویدند بالای خاکریز، دوشکاچی‌های روی تانک‌ها لبه‌های خاکریز را بستند به آتش، جنازه آرپی‌جی‌زن‌ها افتاد روی خاکریز. گردوخاک از زیر شنی تانک‌ها بلند شده بود، تانک‌ها وسط دشت آرایش می‌گرفتند.

سرباز زیر لب غرید:

«آره اروای عمه‌ات! عملیات کامیاب و ناکام! نشستی اونجا آخه تو چی می‌دونی از جنگ؟»

روی خاکریز خمپاره‌اندازها افتاده بودند، نمی‌شد جنازه‌ها را عقب کشید. این طرف خاکریز سربازها به صورت خوابیده بودند روی خاک، بعضی‌هاشان تیر خورده بودند و بعضی‌ها ترکش خمپاره، چند نفر هم تیر خورده بود درست توی پیشانی‌شان. تانک‌ها وسط دشت آرایش گرفته بودند و به سمت خاکریز پیش می‌آمدند؛ مثلثی. دوشکاچی‌ها هنوز روی لبه‌های خاکریز را می‌زدند تا کسی بالا نیاید.

سروان گفت:

***خرمشهر سقوط کرده بود، رئیس جمهور کجا بود؟ از خبرهایی که در موج‌های پیاپی در سرتاسر کشور می‌دویدرئیس جمهور و نخست‌وزیر با هم مشکل دارند؟ نخست‌وزیر دلش با رئیس جمهور نیست یا رئیس جمهور چوب لای چرخ دولت می‌گذارد؟ شاه، آن طور که شایع شده، به فکر برگشتن است؟**

«قربان دستور عقب‌نشینی بدیم؟»

فرمانده داد زد:

«که چی؟ بذاریم آبادان رو بگیرن، نشد بریم اهواز، اونجا رو هم گرفتن بریم دزفول؟»

صدای سوت خمپاره آمد، خمپاره خورد کنار سرهنگ، فرمانده فریاد زد:

«خمپاره‌انداز!...»

صدای شنی تانک از سمت خاکریز آمد، فرمانده حرفش نیمه تمام ماند، تانک‌ها خاکریز را دور زده بودند، سرباز دوشکا را گذاشت روی شانه‌اش و شلیک کرد. گلوله کنار تانک خورد و گردوخاک خاکریز را پر کرد، آرپی‌جی زن‌ها دویدند سمت چپ، تانک‌ها رسیده بودند به ۳۰۰ متری خاکریز، صدای شنی هایشان می‌آمد، چند گلوله کاتیوشا خورد توی گودی خاکریز، چند نفر این طرف و آن طرف روی زمین افتادند، سرباز غلتید تا گودی خاکریز، دوشکا کمی دورتر افتاد، تکه‌های گوشت و خون چسبیده بود به لوله بلندش، سروان فریاد زد:

«عقب‌نشینی، عقب‌نشینی.»

جسد فرمانده توی سینه خاکریز جا ماند.

آبادان در محاصره

خرمشهر سقوط کرده بود، رئیس جمهور کجا بود؟ از خبرهایی که در موج‌های پیاپی در سرتاسر کشور می‌دوید و در برگشت هر کدام خبر تازه‌ای با خود می‌آورد مردم کدام یک را باید باور می‌کردند؟ رئیس جمهور و نخست‌وزیر با هم مشکل دارند؟ نخست‌وزیر دلش با رئیس جمهور نیست یا رئیس جمهور چوب لای چرخ دولت می‌گذارد؟ شاه، آن طور که شایع شده، به فکر برگشتن است؟ بنی‌صدر به سپاه اجازه شرکت در جنگ را نمی‌دهد؟... کدام خبر را باید باور کرد؟

آبادان در محاصره بود.

رئیس جمهور و همراهان که از پله‌ها پایین آمدند، پره‌های بالگرد از حرکت ایستاد. بالگرد در چمن پایگاه دزفول ایستاد. سربازها شانه‌به‌شانه از در خروجی تا کنار بالگرد ایستاده بودند، کفش‌هایشان برق می‌زد. سیگار نیمه کشیده سروان روی چمن افتاده و دود می‌کرد. رئیس جمهور به آخرین پله که رسید، نگهبان‌های جناح غربی و شرقی از روی چمن به طرف بالگرد دویدند. خلبان و کمک خلبان بی‌حرکت روی صندلی‌هایشان نشستند و دو محافظی که روی صندلی‌های عقب لمیده بودند، پایین پریدند و در دو طرف دریچه جای گرفتند.

رئیس جمهور تند و با عجله به بالگرد رسید، خبر سقوط شهرها همراه با غافلگیری مراسم بدرقه بی‌تشریفات طوری او را گیج کرده بود که یادش رفته بود نیم ساعت قبل با شورای عالی دفاع بر سر چیزی توافق کرده یا نه؟

از جایی وسط شهر صدای انفجار آمد، رئیس جمهور ناشیانه دست به دستگیره برد اما زود دستش را عقب کشید و نگاه سنگینی به گروهبان انداخت، گروهبان دستپاچه دستگیره را چرخاند، رئیس جمهور سوار شد، بالگرد پره‌هایش چرخید، به هوا بلند شد و بازتاب آخرین تق‌تق‌هایش روی باند محو شد. رئیس جمهور نفس بلندی کشید، چشم‌هایش را بست و به متن سخنرانی‌اش فکر کرد.

سکوت

سنگ آسیاب انگار روی سینه‌اش بود، آسیابی هم توی سرش می‌گشت، می‌گشت و می‌گشت، سنگین و خسته بود، خسته از این همه کشمکش و جدال، از جایش بلند شد، صندلی راحت نبود.

ـ آقای رجایی بهتر نیست، صندلی‌ها رو عوض کنیم، سخت و ناراحته!

- نه این‌طوری بهتره، اگه روی صندلی راحت یا مبل راحت بشینیم خوابمون می‌گیره و یادمون می‌ره که قراره برای مردم کار کنیم.

رفت تا پشت پنجره، ایستاد، اتاق کار بنی‌صدر از آنجا پیدا بود.

- صابری کسی در این جاست که تقوای الهی نداره و ما رو در تبلیغاتی که به راه انداخته، به موضعی برده که نمی‌تونیم حتی حرفمون رو بزنیم.

صدایش دردمند بود، صابری به محمدعلی نگاه کرد و برق اشک را در چشمش دید، عصبی گفت:

«آقا شما اجازه نمی‌دین توی دهن اینها بزنیم و کارهاشون رو برای مردم بگیم، اون وقت اینجا می‌یاین و گریه می‌کنین و اشک می‌ریزین.»

- نمی‌خوام امام ناراحت بشن! امام گفتن سکوت کنین.

و سکوت کرد.

- آقا چرا سکوت می‌کنین؟ بذارید مردم بفهمن کسی که دم از حضور توی جبهه می‌زنه و مدام می‌گه من اینجا زیر آتیش توپ و تانکم و شما در آسایش، توی کاخ شاه روی تخت لم می‌ده و از همون روی تخت کشور رو اداره می‌کنه، مثل شاه!

بنی‌صدر به دزفول رفته بود، به پایگاه هوایی دزفول، کاخ شاه هم در پایگاه هوایی دزفول بود. جلسه‌های شورای عالی دفاع و نظامی‌ها با بنی‌صدر هم در کاخ بود، اتاق بنی‌صدر تخت داشت و او از روی تخت جلسه‌های جنگ را اداره می‌کرد.

- بذارید بگیم به مردم که چقدر کارشکنی می‌کنه، تا کی جنجال؟ چقدر سکوت؟

راست بود، از وقتی محمدعلی نخست‌وزیر شده بود، بنی‌صدر کارش شده بود مصاحبه و جنجال. لااقل نتیجه‌اش این بود که می‌شد تقصیرها را انداخت گردن دیگران و این دیگران هر کسی می‌توانست باشد و به همین خاطر هم بود که کمتر کسی دلش می‌خواست با او رودررو شود.

محمدعلی سرش را زیر انداخت، شانه‌هایش لرزید، زمزمه کرد:

«نه نمی‌خوام بیشتر از این امام ناراحت بشن، امام گفتن سکوت!»

و سکوت کرد.

پشت پرده اغتشاشات

حزب
مشارکت ایران اسلامی
حزب دولت ساخته
۴۱

***در چهارمین جلسه دادگاه که چهره‌هایی چون محسن میردامادی، عبدالله رمضان‌زاده، محسن صفایی فراهانی، فیض‌الله عرب سرخی، سعید شریعتی، کیان تاجبخش، محسن امین‌زاده، مصطفی تاجزاده، بهزادنبوی و... حضور داشتند، متن کیفرخواست به دروغ بزرگ جریان سیاسی پشت پرده اغتشاشات مبنی بر تقلب در انتخابات و نقش این محفل پشت پرده در ایجاد آشوب و تحریک احساسات هواداران و کشاندن آنها به عرصه انتخابات پرداخت.**

در چهارمین جلسه دادگاه که چهره‌هایی چون محسن میردامادی، عبدالله رمضان‌زاده، محسن صفایی فراهانی، فیض‌الله عرب سرخی، سعید شریعتی، کیان تاجبخش، محسن امین‌زاده، مصطفی تاجزاده، شهاب‌الدین طباطبایی، محمدرضا جلایی‌پور، محمد قوچانی، احمد زیدآبادی، مسعود باستانی، حمزه غالبی، سعید لیلاز، علی تاجرنیا، هدایت‌الله آقایی، بهزاد نبوی و صادق نوروزی حضور داشتند، متن کیفرخواست به دروغ بزرگ جریان سیاسی پشت پرده اغتشاشات مبنی بر تقلب در انتخابات و نقش این محفل پشت پرده در ایجاد آشوب و تحریک احساسات هواداران و کشاندن آنها به عرصه انتخابات اشاره و اضافه کرد: «ممکن است بعضی تصور کنند که این حوادث یک واکنش طبیعی احساسی با ماهیت انتخاباتی بوده است و گروهی از هواداران پرشور بدون پیش‌بینی قبلی تحت تأثیر عواطف خود به خیابان آمده‌اند، امّا تحقیقات نشان می‌دهد هرچند اکثریت افرادی که در دو سه روز اوّل انتخابات به خیابانها آمدند و دست به اعمال غیرقانونی زدند انگیزه خاصّی جز اعتراض به نتایج انتخابات نداشته و رفتارشان واکنش احساسی به نتایج انتخابات بود، امّا بدون شک حساب گروههای محرک و طراح این حوادث و پیاده نظام تخریب‌گر، که از هر اجتماع اعتراض‌آمیزی برای ایجاد رعب و وحشت، آتش‌افروزی و برهم زدن امنیت شهر سوء استفاده می‌کنند از حساب هواداران پرشوری که دچار اشتباه شده بودند کاملا جداست و مقاصد طراحان آشوبها و تخریب‌گران با انگیزه هوادارانی که دچار خطا شدند و با روشن شدن ابعاد مسأله و اثبات واهی بودن ادعای تقلب در انتخابات خیلی زود خود را از این جریان باطل کنار کشیدند کاملا متفاوت است».[۴۵۰]

بعضی از عوامل فتنه در دادگاه

در ادامه کیفرخواست از ستاد مرکزی گوناگون، چنین پرده برداشته می‌شود: «در منطقه قیطریه ستادی تشکیل گردید که منشأ فعالیتهای غیرقانونی گسترده، مانند پخش شایعات، تخریب علیه سایر کاندیداها، راه‌اندازی و هدایت گروههای غیرقانونی و کشیدن آنها به خیابانها، راه‌اندازی شبکه تلویزیونی غیرقانونی، ارتباط با ایستگاه پخش تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی و آغازگر و هدایت‌کننده اغتشاشات و درگیریهای خیابانی شد و نقش اساسی در سوق دادن جریان یکی از کاندیداهای ناکام به سمت افراطی‌گری و آشوب داشت».[۴۵۱]

در جمع‌بندی این بخش از کیفرخواست آورده شده است: «این رفتار غیرقانونی و به صحنه کشاندن هواداران برای برخورد با دولت قانونی، موضوعی اتفاقی و از سر احساسات ناشی از شکست در انتخابات نبوده بلکه براساس اسناد موثق موجود، استراتژی دائمی این حزب آشوبگر می‌باشد که فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا[۴۵۲] به عنوان شعار محوری که بارها توسط سران آن آشکار شده و در سالهای گذشته کراراً به مرحله اجرا گذاشته شده است. در این راستا با ایجاد سازمانها و گروههای غیرقانونی بدون ثبت در وزارت کشور از جمله فعالیتهای رؤسای حزب مشارکت در انتخابات اخیر بوده تشکیلاتی با اقتباس از روش گلدکوئیستی به نامهای سازمان رأی، موج سوم، گروه ۸۸ از جمله آنهاست».[۴۵۳]

کیفرخواست در ادامه، صدور اوّلین بیانیه حزب مشارکت بعد از انتخابات را یکی از مهمترین عوامل آغاز اغتشاشات خیابانی معرفی می‌کند و سپس به بررسی برخی موضع‌گیریهای شخصیتهای برجسته حزب می‌پردازد و در ادامه به طور خاص به اسنادی که از محافل این حزب به دست آمده است، اشاره می‌کند.

بررسی ماهیت «سند راهبردی حزب مشارکت» که از آن به عنوان «سند تأملات راهبردی» یاد شده است ، بخشهای قابل توجهی از کیفرخواست را به خود اختصاص می‌دهد. در این باره در متن کیفرخواست آمده است: «پرواضح است حزبی که راهبردش با صرف وقت طولانی و همفکری اعضای مرکزی و متفکّران آن حزب تدوین شده سراسر انحراف است به حدی که وفادارترین اعضای مرکزیت آن هم نسبت به محتوای آن این‌گونه قضاوت می‌کنند و صادقانه این انحرافات را رد می‌کنند، چنین حزبی صلاحیتهای خود را برای ادامه فعالیت از دست می‌دهد. به ویژه آن که با به جریان انداختن و عملیاتی کردن این راهبرد در حوادث اخیر، خسارات زیادی به کشور وارد کرده و متأسفانه اسناد و بیانیه‌های زیادی براساس همین تفکر، که درنتیجه مشکلات فراوان سیاسی و امنیتی ایجاد نموده است».[۴۵۴]

سپس در ادامه به موارد متعدد مخالفت متن این سند با اصول و مبانی نظام اسلامی و قانون اساسی اشاره می‌گردد. به عنوان نمونه در بخشی از کیفرخواست آمده است: «حزب مشارکت در یک اقدام عجیب و باورنکردنی موضع رسمی استراتژیک خود را که هیچ عنوانی جز خیانت به میهن عزیزمان ایران و باز کردن راه نفوذ و تسلط بیگانگان به آن نمی‌توان داد در بند ۴، الزامات گام اوّل راهبرد را این‌گونه مکتوب می‌کند تا لکه ننگ ابدی برای همه کسانی باشد که به چنین نگرشی روی آورده‌اند: بند ۴ ـ بخش مردم‌سالار حاکمیت بتواند از بحرانهایی که کل سیستم را تهدید می‌کند به نفع تثبیت مردم‌سالاری و چانه‌زنی بیشتر استفاده نماید».[۴۵۵]

۴۵۰- خبرگزاری فارس، به تاریخ ۱۳۸۸/۶/۳.
۴۵۱- همان.
۴۵۲- شعار مطرح شده توسط سعید حجاریان (تئوریسین برجسته حزب مشارکت).
۴۵۳- خبرگزاری فارس، به تاریخ ۱۳۸۸/۶/۳.
۴۵۴- همان.
۴۵۵- سند تأملات راهبردی حزب مشارکت.

مجتمع فولاد مبارکه

آگهی فراخوان عمومی

موضوع فراخوان: انجام عملیات نصب قطعات جهت تقویت تیرگیر درهای سالن واحد ریخته‌گری مداوم (محور G,H) ناحیه فولادسازی شرکت فولاد مبارکه

مبلغ ضمانت‌نامه: ۴۵۰/۰۰۰/۰۰۰(چهارصد و پنجاه میلیون) ریال

* ضمانت نامه فوق می‌بایست در مرحله پیشنهاد قیمت تهیه گردد و در حال حاضر نیاز به ارائه آن نمی‌باشد.

نحوه دریافت اسناد: ۱-از طریق سایت شرکت فولاد مبارکه- لینک مناقصه و مزایده **www.mobarakeh-steel.ir**

مدارک لازم: ۱- اخذ فرم‌های خوداظهاری از سایت شرکت فولاد مبارکه، تکمیل و تایید آن‌ها

۲-ارائه رزومه کاری همراه مستندات مربوطه

نحوه دریافت فرم‌های خوداظهاری: سایت شرکت فولاد مبارکه (**www.mobarakeh-steel.ir**) ← خرید و تامین‌کنندگان ← خرید ← مدیریت قراردادهای خرید ← فرم‌های خوداظهاری تامین‌کنندگان کالا و خدمات ← پیمانکاران نصب و راه‌اندازی

مهلت ارسال اسناد: ۱۳۹۲/۷/۱۳

نحوه ارسال مدارک: تحویل کلیه مدارک لازم (فرم‌های خوداظهاری- رزومه کاری) به قسمت قراردادهای خرید شرکت فولاد مبارکه

* هزینه درج آگهی به عهده پیمانکار برنده مناقصه می‌باشد.

* ارایه مدارک و سوابق هیچ گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.

در صورت نیاز به اطلاعات فنی با شماره تلفن ۲۹۹۸-۰۳۳۵۵۴۳ و اطلاعات بازرگانی با شماره تلفن۳۲۶۱- ۰۳۳۵۵۴۳ تماس حاصل فرمایید.

روابط عمومی شرکت فولاد مبارکه اصفهان
(کد آگهی: ر-۹۲۱۲۹)

آگهی ابلاغ وقت دادرسی به خوانده

خواهان: جواد حضرتی فرزند محمدمهدی آدرس: کبودرآهنگ بلوار بعثت کوچه خیام شاهد یک
خوانده: حمیدرضا دمرچلی فرزند کاظم آدرس: مجهول‌المکان
خواسته: الزام به تنظیم سند

بدینوسیله در اجرای ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی اعلام می‌دارد خواهان بطرفیت خوانده طرح دعوی نموده که پس از ارجاع به شورای حل اختلاف کبودرآهنگ بکلاسه ۱۱۵/۲۰۲/۹۲/ح این شعبه ثبت گردیده و به لحاظ مجهول‌المکان بودن خوانده با توجه به تقاضای خواهان و دستور دادگاه وقت دادرسی از طریق روزنامه کثیرالانتشار به خوانده ابلاغ می‌گردد، تا ظرف ۲۰ روز پس از نظر روزنامه به دفتر شعبه مراجعه و ضمن ارائه آدرس دقیق خود برگ‌ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در مورخه ۹۲/۸/۱۴ ساعت ۳/۵ بعدازظهر جهت شرکت در جلسه دادرسی حاضر گردد چنانچه نیاز به نشر مجدد آگهی باشد یکبار و مدت آن ۱۰ روز خواهد بود در صورت عدم حضور خوانده در جلسه دادرسی دادگاه طبق مقررات اقدام خواهد شد.

مدیر دفتر شعبه ۱۱۵ شورای حل اختلاف کبودرآهنگ

آگهی تغییرات شرکت بازرگانی لوتوس آبی‌فام سهامی خاص به شماره ثبت ۴۲۰۳۷۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۲۱۶۳۴

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

۱- سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردید:
آقای منصور صباغی مدیسه به شماره ملی ۱۱۷۰۹۳۸۴۶۹ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای سیدحمید موسوی شبستری به شماره ملی ۰۴۹۱۱۴۸۶۷۴ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و آقای مظفر رستمی به شماره ملی ۰۰۴۸۷۳۹۷۳۱ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای سیدحمید موسوی شبستری به شماره ملی ۰۴۹۱۱۴۸۶۷۴ به سمت مدیرعامل.
۲- کلیه اوراق بهادار و تعهدآور از قبیل چک سفته وغیره با امضا ثابت مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره با مهر شرکت و تمامی مکاتبات اداری با امضا مدیرعامل به همراه مهر شرکت معتبر می‌باشد.
در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ ذیل دفتر ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تایید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری واحد ثبتی تهران

آگهی دعوت به افراز و معاینه محلی از پلاک ۱۱۳ اصلی آهک

نظر باینکه شرکت شهرکهای صنعتی استان زنجان طبق تقاضای وارده بشماره ۱۱۲/۹۲/۲۶۹۲۲ مورخ ۹۲/۴/۲۳ درخواست افراز مالکیت خود از پلاک ۱۱۳ اصلی واقع در روستای آهک حوزه ثبتی ابهر بخش سه زنجان را نموده است و در درخواست اعلام داشته دسترسی به آدرس اغلب مالکین ندارد لذا باستناد ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا از کلیه مالکین حقیقی یا حقوقی یا نمایندگان قانونی و یا قائم‌مقام ایشان در پلاک مذکور دعوت بعمل می‌آید که راس ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۹۲/۷/۱۳ که عملیات افراز توسط نماینده و نقشه‌بردار این اداره در محل صورت می‌گیرد حضور بهم رسانند. عدم حضور مانع افراز نخواهد بود. بدیهی است در صورت افراز ملک، آگهی افرازی بهمراه صورت جلسه و نقشه افرازی در همین روزنامه مجددا منتشر خواهد شد.

تاریخ انتشار ۹۲/۶/۱۷

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ابهر
عبداله بیگدلی

آگهی تصمیمات شرکت بازرگانی شایق سهامی خاص به شماره ثبت ۵۹۳۰۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۴۳۵۷۰

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۲/۷ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۱۲/۲۶ واصل گردید: موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت فهیم مدبر به ش م ۱۰۳۲۰۴۳۲۸۲۰ به سمت بازرس اصلی و غلامعلی احیایی به ک م ۰۴۵۲۹۵۰۳۲۵ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای علی مقدمی شناسنامه شماره ۹۲۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۲۰۱۱۲ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان نصرت‌اله مقدمی به شناسنامه ۱۲ در تاریخ ۹۰/۱۰/۶ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱- علی مقدمی ش‌ش ۹۲۱ پسر ۲- حمزه علی مقدمی ش‌ش ۴۲ پسر ۳- داود مقدمی ش‌ش ۹۲۲ پسر ۴- صغری مقدمی ش‌ش ۳ دختر ۵- نرجس خانم معروفخانی ش‌ش ۹ همسر
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نمایدتا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه ۳ شورای حل اختلاف شهر قزوین

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای علی مقدمی شناسنامه شماره ۹۲۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۲۰۱۱۳ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان نرجس خانم معروفخانی به شناسنامه ۹ در تاریخ ۹۱/۷/۲۷ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱- علی مقدمی ش‌ش ۹۲۱ پسر ۲- حمزه علی مقدمی ش‌ش ۴۲ پسر ۳- داود مقدمی ش‌ش ۹۲۲ پسر ۴- صغری مقدمی ش‌ش ۳ دختر
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نمایدتا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه ۳ شورای حل اختلاف شهر قزوین

آگهی ابلاغ وقت دادرسی

بدینوسیله اعلام می‌شود آقای روح‌اله رستمی دادخواستی بخواسته تنظیم و انتقال سند رسمی خودرو ایران ۶۶۶/۷۳ ص۲۲ بطرفیت ۱-سیدمحمود حسینی فرزند سیدکوثر ۲- رضا گرجی‌پور فرزند خداداد تسلیم شوراهای حل اختلاف شعبه سوم نموده که به این شعبه ارجاع و به کلاسه $\frac{۴۶۳}{۹۲}$ ثبت و وقت رسیدگی برای روز ۹۲/۷/۲۷ ساعت ۴ عصر تعیین شده است. اینک به علت مجهول‌المکان بودن خوانده به درخواست خواهان و دستور شورا و تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مراتب یک نوبت آگهی می‌شود تا خوانده از تاریخ انتشار این آگهی ظرف یکماه به دبیرخانه شورا واقع در شعبه سوم مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت نماید و در وقت یاد شده جهت رسیدگی حاضر گردد. در غیر این صورت وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهدشد.

رئیس شورای حل اختلاف شعبه سوم

زن روز
اولین نشریه مخصوص بانوان
با مطالب متنوع و خواندنی
شنبه‌ها بصورت سراسری
منتشر می‌گردد

آگهی ابلاغ وقت دادرسی

به موجب پرونده کلاسه ۹۲۰۲۰۸ شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی سنندج مدیریت بانک مهر اقتصاد استان کردستان درخواستی به خواسته مطالبه وجه چک به مبلغ ۷۰۰۰۰۰۰۰ریال با احتساب هزینه‌های دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه به طرفیت آقایان سالار صیدی و صالح صادقی تقدیم دادگاه داشته است و چون خوانده ردیف دوم آقای صالح صادقی فرزند موسی مجهول‌المکان می‌باشد به درخواست خواهان و دستور ریاست محترم دادگاه، وفق ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مراتب یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار درج تا از تاریخ نشر آگهی به مدت یک ماه نامبرده به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی محل اقامت خود و دریافت نسخه ثانی دادخواست و ضمائم و اخطاریه در جلسه دادرسی روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۸ ساعت ۹ صبح شرکت نماید، در غیر این صورت دادگاه غیاباً مبادرت به اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

ابراهیمی
مدیر دفتر شعبه اول محاکم حقوقی شهرستان سنندج

آگهی ابلاغ وقت دادرسی

به موجب پرونده کلاسه ۹۲۰۲۱۱ شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی سنندج مدیریت بانک مهر اقتصاد استان کردستان درخواستی به خواسته مطالبه وجه چک به مبلغ ۳۵۰۰۰۰۰۰ریال با احتساب هزینه‌های دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه به طرفیت آقایان محمدهادی پالیزی، پیمان پالیزی و عیسی پالیزی تقدیم دادگاه داشته است و چون خوانده ردیف دوم آقای پیمان پالیزی فرزند یداله مجهول‌المکان می‌باشد به درخواست خواهان و دستور ریاست محترم دادگاه، وفق ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مراتب یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار درج تا از تاریخ نشر آگهی به مدت یک ماه نامبرده به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی محل اقامت خود و دریافت نسخه ثانی دادخواست و ضمائم و اخطاریه در جلسه دادرسی روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۸ ساعت ۹:۳۰ صبح شرکت نماید، در غیر این صورت دادگاه غیاباً مبادرت به اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

ابراهیمی
مدیر دفتر شعبه اول محاکم حقوقی شهرستان سنندج

آگهی ابلاغ وقت دادرسی

به موجب پرونده کلاسه ۹۲۰۲۰۴ شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی سنندج مدیریت بانک مهر اقتصاد استان کردستان درخواستی به خواسته مطالبه وجه چک به مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰۰ریال با احتساب هزینه‌های دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه به طرفیت آقای حامد فرخیانی و خانم ستاره علیرضائیان تقدیم دادگاه داشته است و چون خوانده ردیف دوم خانم ستاره علیرضائیان فرزند عبداله مجهول‌المکان می‌باشد به درخواست خواهان و دستور ریاست محترم دادگاه، وفق ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مراتب یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار درج تا از تاریخ نشر آگهی به مدت یک ماه نامبرده به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی محل اقامت خود و دریافت نسخه ثانی دادخواست و ضمائم و اخطاریه در جلسه دادرسی روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۷ ساعت ۹:۳۰ صبح شرکت نماید، در غیر این صورت دادگاه غیاباً مبادرت به اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

ابراهیمی
مدیر دفتر شعبه اول دادگاه حقوقی سنندج

آگهی ابلاغ وقت دادرسی

به موجب پرونده کلاسه ۹۲۰۲۰۳ شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی سنندج مدیریت بانک مهر اقتصاد استان کردستان درخواستی به خواسته مطالبه وجه چک به مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰ریال با احتساب هزینه‌های دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه به طرفیت آقای اسعد ادیبان، خانم اوین محمد امینی، آقای محمد تقی نادری و آقای حسیم امامی تقدیم دادگاه داشته است و چون خوانده ردیف سوم آقای محمدتقی نادری فرزند بهرام مجهول‌المکان می‌باشد به درخواست خواهان و دستور ریاست محترم دادگاه، وفق ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مراتب یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار درج تا از تاریخ نشر آگهی به مدت یک ماه نامبرده به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی محل اقامت خود و دریافت نسخه ثانی دادخواست و ضمائم و اخطاریه در جلسه دادرسی روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۷ ساعت ۹ صبح شرکت نماید، در غیر این صورت دادگاه غیابا مبادرت به اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

ابراهیمی
مدیر دفتر شعبه اول محاکم حقوقی شهرستان سنندج

آگهی مناقصه

هتل پارسیان آزادی خزر در نظر دارد نسبت به **واگذاری امور مربوط به نگهداری آسانسورهای هتل** به پیمانکار واجد شرایط از طریق مناقصه اقدام نماید. متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند به منظور بازدید از محل و کسب اطلاعات بیشتر و نیز دریافت فرم شرکت در مناقصه، از تاریخ درج آگهی لغایت مدت ۷ روز بعد به آدرس زیر مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۱۰-۳۱۸۸۸۰۰-۰۱۹۱ تماس حاصل نمایند.

آدرس: چالوس- روبروی شهرک نمک آبرود- هتل پارسیان آزادی خزر

آگهی تاسیس شرکت پینار مهر پاسارگاد (سهامی خاص)

شرکت فوق در تاریخ ۹۲/۶/۵ تحت شماره ۱۲۸۴۵ و شناسه ملی ۱۰۵۷۰۰۳۰۱۵۴ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۹۲/۶/۵ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهارنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه‌های رسمی و کثیرالانتشار کیهان آگهی می‌شود.
۱- موضوع شرکت: تولید انواع نایلون و نایلکس و فرآورده‌های پلاستیکی و یک بار مصرف و الیاف مصنوعی صادرات و واردات کلیه کالاهای مجاز بازرگانی، اخذ و اعطای نمایندگی از شرکت‌های داخلی و خارجی، معاملات مجاز بازرگانی استفاده از تسهیلات بانکی پس از اخذ مجوزهای لازم.
۲- مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
۳- مرکز اصلی شرکت: استان قزوین- شهر قزوین- خیابان ۱۶ متری توحید- پلاک ۵۴- طبقه اول کدپستی ۳۴۱۵۶۳۷۸۴۳
۴- سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیون ریال منقسم به یکصد سهم ده‌هزار ریالی که تعداد یکصد سهم با نام می‌باشد که مبلغ سیصد و پنجاه هزار ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۲۶/۳۴۵۲/۲۲۹ مورخ ۱۳۹۲/۶/۵ نزد بانک صادرات شعبه فلسطین پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد.
۵- اولین مدیران شرکت: ۱-۵- آقای محمدباقر شعبانی کد ملی ۲۰۶۵۰۲۰۰۰۸ به سمت رئیس هیئت‌مدیره. ۲-۵- آقای فرخ رحیمی کیارمش کد ملی ۶۳۱۹۶۸۲۸۲۵ به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره. ۳-۵- آقای جواد رحیمی کد ملی ۲۱۲۲۵۵۸۳۶۹ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره به مدت دو سال انتخاب گردیدند.
۶- دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت با امضای مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل یا رئیس هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
۷- اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه
۸- بازرس اصلی و علی‌البدل: ۱-۸- آقای سروش امیرآبادی کد ملی ۴۳۲۴۱۹۵۳۳۱ به عنوان بازرس اصلی. ۲-۸- آقای یحیی رجبی کد ملی ۵۹۰۹۹۵۲۷۰۶ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب شدند.

حسین غلامحسینی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک قزوین

آگهی تصمیمات شرکت آب و فاضلاب رفسنجان سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۳۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۲۱۱۸۶۰

به موجب صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۹۱/۱۱/۷ تصمیمات ذیل در شرکت فوق اتخاذ گردید:
۱- کلیات بودجه جاری و سرمایه‌ای شرکت مورد تصویب قرار گرفت.
۲- موسسه حسابرسی نیک‌روشان تهران به سمت بازرس اصلی و آقای تیرانداز شکیبا به سمت بازرس علی‌البدل شرکت برای سال مالی ۱۳۹۲ انتخاب گردیدند.

محمود عباس‌آبادی
مسئول ثبت شرکتهای ثبت رفسنجان

موضوع آگهی ابلاغ رأی

شماره رأی ۱۱۹/۹۰۲۳۴۴ مورخ ۹۱/۸/۶

مرجع رسیدگی کننده: هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان شهرداری تهران

هیئت مذکور **آقای حمیدرضا محبی** متولد ۱۳۵۳ فرزند یارعلی صادره تهران کارمند سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی تهران به شماره پرسنلی ۲۲۱۲۸۷ را با ملاحظه اسناد و مدارک موجود و ضمن احراز اتهام منتسب متهم منطبق با بند۲۹ ماده۸ و بند ی ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ مجلس شورای اسلامی به مجازات اخراج از دستگاه متبوع محکوم نموده است. این رأی قابل تجدید نظر بوده و محکوم علیه می‌تواند درخواست تجدیدنظر خود را حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ و تاریخ انتشار آگهی به نشانی میدان جمهوری- بزرگراه نواب صفوی- تقاطع خیابان امامخمینی(ره) تسلیم در غیر این صورت باستناد تبصره ۱ ماده۴ قانون مذکور این رأی از تاریخ انقضاء مهلت مذکور لازم‌الاجرا خواهد بود.

سیدرضا خوش‌زاد- مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره